

کنزا بورو اوئه، برنده جایزه نوبل در ادبیات سال ۱۹۹۴

فرهنگستان سوئد در هفته آخر مهرماه ۱۳۷۳ اعلام کرد که جایزه نوبل در ادبیات سال ۱۹۹۴ را به رمان‌نویس و مقاله‌نویس ژاپنی، کنزا بورو اوئه (Kenzaburo Oe) اهدا کرده است. درونمایه آثار اوئه به خلاف نرمش و پاکی و ظرافت سنتی که از یک نویسنده ژاپنی انتظار می‌رود، خشونت و پلیدی و پوچی و نومیدی و بیمارگونگی است، ویژگی‌هایی که گروهی آن را هنر زائیده از دل یاس و سردرگمی و شاخه‌ای از ادبیات مدرن می‌پندارند. یومیوری شیمبون، بزرگترین روزنامه کشور ژاپن در این باره به خود بالیده است که «جهانشمول بودن ادبیات مدرن ژاپنی» سرانجام به حقانیت خود رسید و با «ستایشی جهانی» روبه‌رو شد.

این نگرش تلخ و منفی اوئه، ظاهراً از یک تفکر ژرف و فلسفی مایه نمی‌گیرد بلکه نوعی بازتاب وقوع دو سه رویداد ناگوار در زندگی شخصی او بوده است:

تخت‌تین رویداد مربوط به سال ۱۹۴۵ است که ژاپن در جنگ، مجبور به تسلیم شد. اوئه در آن زمان ده ساله بود و بر این باور بود که امپراتور ژاپن، «خدای زنده»‌ای است که هیچگاه از پای در نمی‌آید، اما وقتی هیرو هیتو، روز ۱۵ اوت سال ۱۹۴۵ از رادیو اعلام کرد که ژاپن تسلیم شده است، سخت یکه خورد و بعدها گفت که این شکست، این احساس عجز و تسلیم، بذر نومیدی رادر دلش کاشته است.

رویداد بعدی سال ۱۹۶۳ اتفاق افتاد که صاحب‌پسری شد با کله‌ای معیوب و ذهنی عقب‌مانده. همین خود بر او که آدمی پرشور و مبارزی چپ‌گرا بود سخت تأثیر گذاشت و یک سال

بعد از تولد فرزندش «هیکاری»، رمان «یک موضوع شخصی» را منتشر کرد. موضوع این رمان درباره زندگی پدری است که در صدد برمی آید فرزند ناقص الخلقه اش را سر به نیست کند، اما در پایان منصرف می شود و با صبر و تحمل فراوان به او مهر می ورزد.

رویداد بعدی در پی تلاش برای نجات زندگی «هیکاری» رخ داد که به هیروشیما سفر کرد و تحت تأثیر پزشکی قرار گرفت که مجدانه قربانیان انفجار بمب اتمی و تشعشع رادیواکتیو را در این شهر معالجه می کرد. این گونه است که نگرش او به زندگی تغییر می کند و فضای آثارش تیره و تاریک می شود و به جای آن خانه های دنج و ظریف ژاپنی و نقش و نگار روی پرده ها و دیوارهای نازک و نقش گل ها و شکوفه های رنگارنگ بهاری، ژاپن را گذزاری می بیند انباشته از حشرات آلوده و معدن پشه، مفاک زنبور.

پیش از اوته تنها یک نویسنده ژاپنی دیگر به دریافت جایزه نوبل در ادبیات نایل آمده بود و او یاسوناری کاواباتا بود که پیش از دریافت جایزه در سال ۱۹۶۸، بعضی از منتقدین به ویژگی های سخت سنتی و ژاپنی آثارش خرده گرفتند و ارزش غریب و ناآشنای آن ها را برای غربیان، انگیزه انتخايش پنداشتند.

کنزابورو اوته روز ۳۱ ژانویه سال ۱۹۳۵ در دهکده دورافتاده ای در کوچک ترین جزیره ژاپن، شیکوکو به دنیا آمد. سومین فرزند یک خانواده سرشناس سامورایی بود و از جمله دانش آموزانی که در نظام آموزش نوین و ضد سنتی پس از جنگ ژاپن به تحصیل پرداخت. در ایام نوجوانی می خواست در یکی از رشته های علوم تحصیل کند اما بی اعتنائی معلمان مدرسه موجب شد که موجودی منزوی و عبوس و نیمه بیمار بار آید و به عالم کتاب پناه ببرد؛ شعر کلاسیک و مدرن ژاپنی، ترجمه شعرهای شاعران انگلیسی زبان چون پو و الیوت و اودن، آثار نویسندگان جدید ژاپنی مثل جون ایشی کاوا، رمان نویس و کیوترو هانادا و نیز هیدئو کوبایاشی منتقدان ادبی، آثار داستایوسکی به ویژه رمان برادران کارامازوف و نوشته های نویسندگان فرانسوی از رابله گرفته تا بالزاک و ژان پول سارتر.

در سال ۱۹۵۴ به دانشگاه توکیو راه یافت و نخست در رشته ادبیات نام نویسی کرد و دو سال بعد به گروه زبان و ادبیات فرانسه پیوست و سرانجام در سال ۱۹۵۸ در همین رشته فارغ التحصیل شد. موضوع پایان نامه اش، بررسی و تحلیل آثار ژان پول سارتر بود.

دانشجو که بود، به کار نویسندگی نیز می پرداخت و در آخرین سال تحصیل در دانشگاه، یکی از آثار داستانی اش به نام «اسیر» به دریافت جایزه ای نایل آمد. موضوع این داستان، ماجرای زندگی خلبانی امریکایی است که در جنگ جهانی دوم هواپیمایش در نزدیکی دهکده دورافتاده ای در ژاپن سقوط می کند. خلبان را اسیر می کنند و در یکی از خانه های روستایی نگه می دارند. راوی داستان که پسر بچه ای است همراه با دوستانش، پنهانی به دیدار خلبان می روند و از دیدن رنگ پوست او یکه می خورند - خلبان سیاه پوست است. بعدها با او در آگیری کنار چشمه ای شنا می کنند: «اندام عریان



کنزاورو اوئه و همسرش

و خیسش که نور تند خورشید را بازتاب می‌داد، همچون تن و بدن یک اسب سیاه می‌درخشید؛ اندامی پس زیبا و کامل بود.»

پسر بچه‌های ژاپنی رفته رفته به این بیگانه درشت اندام، دلبسته می‌شوند و خدا خدا می‌کنند که آشنایی و روابطشان تا ابد دوام بیاورد. اما آرزویشان بر باد می‌رود و راوی جوان، خود علیل و ناقص‌العضو می‌شود. این داستان را نمادی از برخورد کشور ژاپن با دنیای بیگانه دانسته‌اند.

نخستین رمان اوئه «گل‌ها را بچین، کودکان راه گلوله ببند» در ژوئن سال ۱۹۵۸ انتشار یافت و با اقبال گرم منتقدان مواجه شد. این داستان مربوط به زندگی گروهی نوجوان بزهکار است که از دارالتادیبی می‌گریزند و دهکده متروکی را اشغال می‌کنند. اوئه در این کتاب از مارک تواین نویسنده امریکایی تأثیر فراوان گرفته است. پس از این کتاب، مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه و نیمه‌بلندش با مضمون تقریباً یکسان مقابله ژاپنی‌ها و خارجی‌ها در ایام اشغال ژاپن، منتشر شد و طی پنج سال بعد، چهار رمان دیگر از او به چاپ رسید.

درونمایه غالب آثار او از سال ۱۹۶۴ به بعد، خشونت و بلاهت و حقارت و خفت و سردرگمی و مرگ و نوزادکشی و خلق شخصیت‌های معلول و توصیف‌های زهرآگین است که ظاهراً نمادی از موقعیت بشری در زمانه ماست. در رمان «فریاد خاموش» که در سال ۱۹۶۷ منتشر شد، شخصیت زن داستان را چنین توصیف می‌کند «همه هستی‌اش، همچون زندگی سگ بیمار و رانده شده‌ای بود که خشم آگین، دسته دسته علف می‌جوید تا همه را دوباره قی کند». موضوع رمان‌های بعدی او نیز «طغیان آب تا روح من بالا آمده است» (۱۹۷۳) و «بازی‌های معاصر» (۱۹۷۹)، عدم ثبات پنهانی نظام اجتماعی پس از سال‌های ۱۹۶۰ است. دو مجموعه مقاله به نام‌های «یادداشت‌های هیروشیما» (۱۹۶۴) و «یادداشت‌های اوکیناوا» (۱۹۷۰) و نیز کتاب «تکنیک ادبیات

داستانی» و چندین سفرنامه و چندین رساله در باب هنر نویسندگی نیز از او منتشر شده است. از آخرین آثار او، «برج‌های شغابخش» است (۱۹۹۰) که داستانی فضایی و آینده‌نگر است و ماجرای زندگی در فضا را پس از یک انفجار هسته‌ای و کشتار دستجمعی در اوایل قرن بیست و یکم توصیف می‌کند.

شونچی کاتو، منتقد سرشناس و نویسنده کتاب سه جلدی «تاریخ ادبیات ژاپن» در مقدمه همین کتاب گفته است:

«چرا او نه دائماً معترض و مخالف است؟ او که خط مشی‌های مختلف سیاسی را نقد نمی‌کند و نیز مثل منتقدان مارکسیست، انقلابی نیست و نمی‌کوشد نظام جایگزینی برای «ابرقدرت اقتصادی» بیست ساله اخیر پیشنهاد کند. در داستان‌ها و شیوه‌های زندگی موهوم و خیالی او، از رابله گرفته تا هپی‌ها، حمایتش را به روشنی از رد و انکار نظام ارزشی مسلط بر جوامع مرسوم و تثبیت شده نشان می‌دهد. این رد و انکار، براساس چه ارزش‌های مثبتی استوار است؟ احتمالاً براساس برقراری صلحی پایدار و نیز عزیز و باارزش و متعالی بودن زندگی بشری. و همین ارزش‌هاست که هر چند ترد و ظریف و آسیب‌پذیراند، اگر نویسنده‌ای در باب آن‌ها چیزی ننویسد، برای همیشه ناگفته باقی می‌مانند. موقعیت زمانه - با واقعیت یک نسل - فقط با بیان راستین و صادقانه آن چه هستند آشکار می‌شود، نه تنها با پذیرش و توصیف که بیشتر با آن چه در ورای نقد ادبی است، بارد و انکار و تلاش برای فائق آمدن بر آن‌ها.»

ماکو تو اوکا، شاعر و نمایشنامه‌نویس ژاپنی نیز درباره او نه گفته است:

«او نه بی‌تردید فرهیخته‌ترین و صادق‌ترین رمان‌نویس ادبیات معاصر ژاپن است که با نیرو و حافظه‌ای حیرت‌انگیز، دانشی از نیازهای بشری را فرا گرفته تا با آن با مشکلات اساسی دنیای معاصر در آویزد. او نه آثار زیادی انباشته از تخیل و ظنز به وجود آورده که خود نمایانگر قدرت خلاقه شگرف اوست. با داشتن علاقه و دل‌بستگی شدید به راه و روش‌های درست داستان‌نویسی و تدوین آثاری در باب تئوری رمان و خلق داستان‌هایی تراز اول، در ردیف بهترین داستان‌نویسان امروز ژاپن قرار دارد. او نه در ادبیات ژاپن معاصر، رمان‌نویسی بسیار برجسته و گرانقدر است.»

دونالد ریچی، منتقد آمریکایی مقیم توکیو نیز درباره او نه گفته است که او «در همه دوران زندگی‌اش، نویسنده‌ای استوار و ثابت رای و صادق بوده است، همیشه دقیقاً آن چه را که خود می‌اندیشیده است، نوشته است و تحت تأثیر گرایش‌ها و عقاید رایج و عمومی و نیز آن چه حکومت و نظام مسلط می‌اندیشد قرار نگرفته است. و این چیزی است که یک رمان‌نویس راستین، باید باشد.»

یکی از صحنه‌های مشخص آثار داستانی اونه، روستایی نیمه اسطوره‌ای و کهن‌الگو در دل دره‌ای جنگلی و پر دار و درخت و دور از دسترس است، نمادی از ژاپن امروز، دهکده‌ای صبور و نوامید. هرچند داستان‌های او غالباً پایان خوشی ندارد، زندگی شخصی‌اش باری، سرانجامی نیکو یافته است: به دریافت جایزه نوبل در ادبیات نایل آمده و سرشناس شده است، هیکاری فرزند معلولش که اکنون ۳۱ سال دارد، نشانه‌هایی از نبوغ در موسیقی نشان داده و آثاری که در زمینه موسیقی کلاسیک تصنیف کرده، حیرت منتقدین و استقبال عمومی را برانگیخته است. اکنون نیز سرگرم نوشتن سومین کتاب از رمان سه گانه خود «درخت سبز شعله‌ور» است و می‌گوید که قصد دارد پس از اتمام این کتاب، دیگر رمانی ننویسد و اوقاتش را به مطالعه و تفکر بگذراند. زیرا تاکنون «می‌کوشیدم مکنونات درونی هیکاری را بیان کنم، اکنون او خود قادر به بیان احساسات خویش شده است.»

خواننده گرامی، مشترک عزیز

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

گرانی مخارج سنگین لیتوگرافی و چاپ و صحافی، مجله را در معرض تعطیلی قرار داده است.

مخارج سنگین مجله فقط از محل تکفروشی و حق اشتراک مشترکان تأمین می‌شود.

کلیک انتظار دارد در صورتی که آن را می‌پسندید و ماندگاری آن را برای فرهنگ و زبان فارسی مفید می‌دانید ما را یاری دهید.

همانطور که بارها نوشته‌ایم، در صورت ازدیاد تعداد مشترکان، مجله دوام می‌یابد و به راه فرهنگی خود ادامه می‌دهد.

کلیک مرهون محبت کسانی است که تاکنون بی درخواست ما مشترکانی معرفی کرده‌اند.